

بررسی علل مؤثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذران اوقات فراغت در ایران

مجری: محمود شارع پور

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران - ۱۳۸۱

چکیده:

ورزش از جمله نهادهای اجتماعی تأمین کننده نیازهای فراغتی جوانان محسوب می شود. شناخت عوامل مختلف فردی و اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان، نسبت به ورزش می تواند در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مربوط به جوانان مورد استفاده قرار گیرد. به همین جهت پژوهش حاضر به دنبال بررسی گرایش دانشجویان نسبت به انجام فعالیت های ورزشی برای گذراندن اوقات فراغت می باشد. مروری بر ادبیات موضوع، حکایت از وجود مدل های نظری متفاوت برای تبیین گرایش افراد به ورزش می باشد. تحقیق حاضر می کوشد که با تلفیق این مدل ها به تبیین کامل تری از فعالیت ورزشی و گرایش به ورزش در نزد دانشجویان دست یابد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه های مازندران، گیلان و گرگان می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. شیوه نمونه گیری در این پژوهش، استفاده از شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب بوده است. جمع آوری داده ها با استفاده از ابزار پرسشنامه و با کمک پرسشگران آموزش دیده صورت پذیرفت. با استفاده از نرم افزار SPSS رابطه آماری بین دو متغیر وابسته یعنی فعالیت ورزشی و گرایش به ورزش، با مجموعه ای از متغیرهای فردی (نظیر: سن، جنس) اجتماعی (نظیر مدرک تحصیلی، تاثیر والدین، همسالان و مدرسه)، اقتصادی (نظیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده)، فرهنگی (نظیر سرمایه فرهنگی) و روانی (نظیر خودآربخشی) مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

واژه های کلیدی: مشارکت ورزشی، گرایش به ورزش، دانشجویان، خودآربخشی، سرمایه فرهنگی، نهادهای اجتماعی